

جایگاه باور دینی در انگیزش اخلاقی

علی نصرتی^۱، مسعود آذربایجانی^۲

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی دانشگاه باقر العلوم

^۲ دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

نویسنده مسئول:

علی نصرتی

چکیده:

دین و اخلاق دو حوزه تأثیرگذار بر جوامع انسانی بوده و خواهند بود. آنچه در این زمینه مدت‌های مدید ذهن اندیشمندان را به خود مشغول کرده است این است که این دو چه ربط و نسبتی با یکدیگر دارند. در مقام پاسخ به این پرسش است که فیلسوفان اخلاق چهار گونه رابطه و وابستگی اخلاق و دین را مطرح کرده‌اند که عبارت‌اند از ۱- وابستگی معناشناختی ۲. وابستگی وجود شناختی ۳. وابستگی معرفت‌شناختی ۴. وابستگی روان‌شناختی. این مقاله به نوع چهارم یعنی رابطه روان‌شناختی (انگیزشی) دین و اخلاق می‌پردازد و نقش انگیزشی باورهای دینی را مورد سؤال قرار می‌دهد و پس از بیان دو رویکرد درون‌گرایی و برون‌گرایی اخلاقی به نظریه ایمان در ایجاد انگیزش اخلاقی پرداخته و باهدف بررسی رابطه این دو در پژوهشی میدانی بیش از ۲۰۰ دانشجوی (زن و مرد) به پرسشنامه‌های: مقیاس جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام (آذربایجانی ۱۳۸۲) و بنیان‌های اخلاقی (هایت و گراهام، ۱۳۹۱) پاسخ دادند نتایج نشان داد که بین باورهای دینی و انگیزش‌های اخلاقی همبستگی مثبت وجود دارد.

واژگان کلیدی:

باور دینی، "انگیزش"، "انگیزش اخلاقی"، "باور"، "اخلاق"، "دین"

مقدمه :

بحث از وابستگی روان‌شناسانه اخلاق به دین درواقع به این معناست که چقدر دین می‌تواند به پیروان خود انگیزه برای انجام افعال اخلاقی دهد و آیا دین و باورهای دینی محرکی قوی برای زیست اخلاقی هست یا نه؟ پس سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا باورهای دینی می‌تواند فاعل را به‌سوی انجام فعل برانگیزانند؟ درباره اهمیت این موضوع می‌توان گفت همان مقداری که اخلاق در جامعه انسانی اهمیت دارد این بحث نیز اهمیت دارد چون انگیزش اخلاقی مسئله‌ای است که میزان کارآمدی یک نظام اخلاقی را رقم می‌زند اگر نظام اخلاقی بتواند در مخاطبان خود انگیزه لازم برای انجام عمل اخلاقی را فراهم آورد توانسته است در رسالت خود موفق باشد در عصر ما که بحث از سکولار شدن انگیزه‌ها نیز مطرح است و طرفداران آن معتقدند ریشه‌های سکولاریسم را در «انگیزه» و «اندیشه» آدمیان باید جست و منظور آن‌ها از سکولار شدن انگیزه‌ها، سکولار شدن اخلاق است نه خصوص سکولار شدن انگیزه‌ها و سکولار شدن اخلاق، هم به معنای سکولار شدن تفکر و اندیشه اخلاقی است و هم به معنای سکولار شدن نیت و انگیزه اخلاقی (فناپی، ۱۳۹۲، ۲۹). بحث از اثر انگیزشی دین و انگیزه‌های خاص دینی (همچون تقرب به خداوند و کسب ثواب اخروی) در فعل اخلاقی ضروری می‌نماید. البته در همین ابتدا اشاره به یک نکته مفید به نظر می‌رسد که از عنوان وابستگی روان‌شناسانه اخلاق به دین دو نوع قرائت و فهم برداشت شده است یکی اینکه آموزه‌ها و اعتقادات دینی تنها پشتوانه روان‌شناختی اخلاق را فراهم می‌کنند و دیگر اینکه آموزه‌ها و اعتقادات دینی بهترین انگیزه اخلاقی را (نه تنها انگیزه) فراهم می‌کنند و وقوع فعل اخلاقی انگیزه‌های دیگری را هم می‌تواند داشته باشد از آنجایی که برداشت اول با نقد و مثال نقضی چون بی‌دینان اخلاقی مواجه هست برداشت دوم صحیح‌تر به نظر می‌رسد مبنای نگارش حاضر بر فرضیه و برداشت دوم بنانهاده شده است.

پیشینه پژوهش

بحث درباره انگیزه‌های اخلاقی را می‌توان تا یونانیان باستان مانند سقراط افلاطون و ارسطو ردیابی کرد البته در این میان نظریه آدم اسمیت (۱۷۲۳-۱۷۹۰) جوزف باتلر (۱۶۹۲-۱۷۹۰) هیوم و کانت از برجستگی خاصی برخوردارند و در منابع اسلامی هم به‌صورت متفرقه در آثار مربوط به فلسفه اخلاق، کلام، اصول فقه و تفسیر مباحثی درباره عوامل مؤثر بر رفتار دیده می‌شود (شجاعی، ۱۳۹۱، همان) در گذشته اندیشمندان مسلمان در ضمن مباحث فلسفی (حکمت عملی، نظری) کلامی (اراده و قدرت الهی) اخلاقی (قوای نفس مقدمه عمل) اصولی (طلب و اراده) و گاه تفسیری (تفسیر آیات مشیت و اراده الهی) با اشاراتی به برخی موضوعات انگیزش برحسب استنباط خود از متون دینی می‌نمودند که امروزه بسیاری از این مسائل به روانشناسی انگیزش محول شده است البته متخصصان حوزه روانشناسی دین هم با ساخت مقیاس‌های متعدد رابطه دین‌داری با رفتارهای متنوع اخلاقی را مورد آزمون تجربی قرار دادند و نشان دادند که دین‌داری سالم با رفتارهای اخلاقی مانند کمک به دیگران، گذشت، صداقت، خودمهارگری و قدردانی رابطه مثبت دارد و با رفتارهای ضد اخلاقی مانند سوء مصرف، رفتارهای مجرمانه و بزهکاری، رفتارهای جنسی خارج از چارچوب ازدواج، بدرفتاری خانگی، تبعیض و تعصبات نامقبول ارتباط منفی دارد (تبیك، ۱۳۹۲، ۱۳۷).

بحث انگیزش اخلاقی در گذشته بر محور این سؤال شکل گرفته است که آیا باور و حکم اخلاقی می‌تواند به‌تنهایی در فاعل ایجاد انگیزه کنند که نظریات موافق این سؤال عقل محور و نظریات مخالف، میل محور نام‌گرفته‌اند (شجاعی، ۱۳۹۱، ۱۵۵).

تعریف انگیزش و باور دینی

پل کلین جینا و آن کلین جینا (۱۹۸۱ م) در تعریف انگیزش می‌گویند: انگیزش حالت یا وضعیت درونی (گاهی از آن به نیاز، میل یا خواستن تعبیر می‌شود) است که موجب راه‌اندازی، تداوم و جهت‌بخشی رفتار می‌شود ریو (۲۰۰۵ م) می‌گوید: بررسی انگیزش به فرایندهای مربوط می‌شود که به رفتار انرژی و جهت می‌دهند انرژی حاکی از آن است که رفتار نیرومند، شدید و پایدار است و جهت حاکی از آن است که رفتار هدف دارد یعنی به سمت نتیجه خاصی گرایش دارد (شجاعی، ۱۳۹۱، ۸) با توجه به آنچه بیان شد می‌توان انگیزش را به‌مثابه نیرویی که به رفتار انرژی و جهت می‌دهد و رفتار را تداوم می‌بخشد تعریف کرد و درباره اصطلاح ترکیبی «باور دینی» می‌توان گفت هنگامی که گزاره‌ای برگرفته از دین به انسان عرضه می‌شود و ذهن مفاد آن را می‌پذیرد باور دینی پدید می‌آید و این معنای دقیق معرفت‌شناختی باور دینی است.

باور دینی پذیرش و اعترافی است که ذهن انسان نسبت به گزاره‌های دینی دارد در صورتی که ذهن می‌توانست حالتی غیر از پذیرش، یعنی انکار یا تعلیق داشته باشد. به عبارت دیگر اگر انسان از پذیرفتن گزاره‌ای دینی سرباز نزد و نیز حکم آن را تعلیق نکرد بلکه مضمون و محتوای آن را از نظر ذهنی پذیرفت میزبان باور دینی شده است (حسینی، ۱۳۹۳، ۳۲) حال اگر به پرسش اصلی پژوهش برگردیم می‌توان این چنین گفت آیا باور دینی می‌تواند سبب راه اندازی و تداوم عمل اخلاقی گردد؟

نظریات انگیزشی اخلاقی:

۱- درون گرایی و برون گرایی

فیلسوفان در رابطه با تبیین و توجیه عمل با این پرسش جدی مواجه‌اند که به چه دلیل a در زمان t فعل x را انجام می‌دهد؟ به عبارت دیگر دلایل انگیزشی فاعل برای انجام فعل x چه بوده است؟ و به فرض وجود دلیل، آیا فاعل الزامی برای انجام فعل دارد؟ بدین معنا که رابطه بین دلیل و عمل ضروری است یا امکانی؟ (خزایی، ۱۳۸۵، ۳۵)،

پیش از ورود به نظریاتی که در مقام پاسخ به سؤال فوق برآمدند لازم است به یک نکته مقدماتی و در عین حال مهم توجه کرد. شاید بتوان گفت که تقریباً همه فیلسوفان اخلاق در این باره اتفاق نظر دارند که انسان برای رفتارهای آگاهانه و اختیاری خود نیازمند دلیل است مقصود از دلیل اینجا جوابی است که در پاسخ به این سؤال که «چرا من باید این عمل را انجام دهم؟» و کسی که چنین سؤالی را مطرح می‌کند در حقیقت طالب دو نوع دلیل متفاوت است (با استفاده از تعبیر هاجسون) یک وقت سؤال این است که چه چیز این عمل را از نظر عقلانی توجیه می‌کند جواب‌هایی که در پاسخ به این سؤال مطرح می‌شود «دلایل توجیه کننده عمل» نامیده می‌شود؛ اما این کار ممکن است معنای دیگری نیز داشته باشد یعنی پرسشگر ممکن است خواهان انگیزه باشد نه خواهان توجیه و معنای سؤالش این باشد که «من به چه انگیزه‌ای باید این کار را انجام دهم» جواب‌های این سؤال را «دلایل محرک عمل» می‌نامند (فنائی، ۱۳۸۴، ۱۰۲)

ویلیام فرانکنا با یک مثال این دو دلیل را توضیح می‌دهد: هنگامی که a می‌پرسد چرا باید اسمیت را سوار ماشین خود کنم. b می‌تواند دو پاسخ متفاوت بدهد. می‌تواند بگوید زیرا وعده کرده‌ای یا می‌تواند بگوید زیرا اگر چنین کنی وی از تو در وصیت‌نامه‌اش یاد خواهد کرد در پاسخ اول وی توجیهی برای انجام فعل ارائه می‌دهد و در پاسخ دوم انگیزه‌ای بر ای آن به همین منوال «باید» دست کم دو معنا دارد باید اخلاقی و باید انگیزشی. بدین ترتیب انگیزه نوعی دلیل انجام فعل است و می‌توان گفت انگیزش همان علت غایی است یعنی همان داعی و دلیل عمل (فرانکنا، ۱۳۷۹، ۱۳۴)، آنچه مهم است و مورد اختلاف است و باعث یک نزاع تاریخی و ریشه دار شده است این است که آیا دلایل توجیه کننده عمل می‌تواند نقش محرک را هم بازی کند یا نه؟ در پاسخ به این سؤال دیدگاه‌های متفاوتی در فلسفه اخلاق مطرح است و این دیدگاه‌ها ذیل دو عنوان کلی «درون‌گرا» و «برونگرا» طبقه بندی می‌شوند.

درون گرایی:

این نگرش که یک رأی یا گرایش اخلاقی می‌تواند انگیزه کافی برای رفتار باشد و در نتیجه فرد را برای فعل برانگیزاند در فلسفه اخلاق به عنوان نظریه درون گرایی شهرت یافته است. درون‌گرایان (Externalist) که باور را شرط لازم و کافی برای برانگیختن فاعل می‌دانند رابطه باور اخلاقی و عمل را ضروری می‌بینند. لازمه ضروری بودن این ارتباط، این است که در صورت وجود باور، حتماً فعل انجام می‌شود در غیر این صورت معلوم می‌شود باوری وجود نداشته است (خزایی، ۱۳۹۴، ۸۶)، سقراط که جهل را تنها عامل عدم انجام فعل اخلاقی می‌داند چنین موضعی دارد. از نظر سقراط فضیلت که چیزی جز معرفت به ماهیت فضائل نیست، شرط لازم و کافی برای سعادت مند شدن است. سقراط به همین دلیل که باور را تنها رکن فعل اخلاقی می‌داند این را نمی‌پذیرد که فاعل بداند کاری خوب است اما خلاف آن عمل کند زیرا لازمه ضروری عاقل بودن فاعل اخلاقی این است که فعل انجام شود. با این حال سقراط قصد ندارد که بگوید مردم الزاماً عاقل‌اند و اخلاقی، به ویژه آنکه در رساله دفاعیه پس از جستجوی انسان‌های حکیم می‌فهمد که اکثر مردم احمق‌اند (افلاطون ۱۳۸۰، ۲۵) اما حماقتشان بدین دلیل است که نسبت به ماهیت فضیلت جاهل‌اند از این رو در ارزیابی باورها و عمل، غیر عاقلانه رفتار می‌کنند. (خزایی، ۱۳۸۵، ۲۷).

۲- برونگرایی:

اما برون‌گرا یا ن (Externalist) درعین حال که باور را شرط لازم برای عمل می‌دانند شرط کافی تلقی نمی‌کنند و میل را شرط دیگری برای برانگیختن فاعل می‌دانند و معتقدند که باور به همراه میل دو عنصر لازم‌اند برای آنکه فاعل به‌سوی انجام فعل حرکت کند. به‌این ترتیب در نگرش برون‌گراها ممکن است فردی باور داشته باشد که X بد است اما این باور باعث نمی‌شود او X را انجام دهد. (دهقان، ۱۳۹۶، ۱۳۱)

در رهیافت برون‌گرایی باور اخلاقی و انگیزه رابطه ضروری ندارند و اگر گاهی این دو همراه می‌شوند فقط از باب تصادف است برون‌گرایان معتقدند که باور دآوری اخلاقی به‌خودی‌خود و فی حد نفسه نه دلیل توجیه‌کننده عمل است و نه دلیل محرک عمل. برون‌گراها معتقدند باور در صورتی منجر به ایجاد انگیزه خواهد شد که بر عنصری بیرونی از جمله اعتقاد به خدا تکیه کنند (دهقان ۱۳۹۶، ۱۳۱) برخی معتقدند بیشتر اندیشمندان مسلمان قائل به وابستگی روان‌شناختی اخلاق به دین را می‌توان برون‌گرا دانست زیرا معتقدند احکام اخلاقی و ارزشی به‌خودی‌خود و با صرف‌نظر از خداوند و رضایت الهی محرک عمل نیستند (فنائی، ۱۳۸۴، ۱۰۵) اگر خدا را بیرون از انسان بدانیم این سخن درست است اما بر اساس توحید اخلاقی، خداوند درون و بیرون انسان را پر کرده است. آفاق‌وانفس فقط دو نوع آیینی برای نشان دادن یک فردند یعنی حق تعالی. بر اساس توحید اخلاقی نیز موجودی جز الله وجود ندارد تا انسان بخواهد ذهن و سوژه‌ای شود که الله برایش بیرونی و ابژه باشد در نگاه قرآنی همین قلبی که محل تعقل و تفقه انسان است عرش رحمان هم هست اگرچه بیرون بودن خداوند از انسان مانع بسیاری از دین‌داران برای پرستش آزادانه و مشتاقانه نیست در سلوک دینی مبدأ خداوند است و مقصد نیز خداوند است و راه هم راه خداوند است زیرا هر چه جز اوست مخلوق اوست و مخلوق از آن جهت که مخلوق است بریده از خالق نیست (مرادی، ۱۳۹۲، ۳۸).

۳- نظریه ایمان:

به نظر می‌رسد همان‌طوری که در برون‌گرایی گفته شد که باور اگرچه شرط لازم برای عمل اخلاقی است ولی کافی نیست باورهای دینی نیز به هرگونه که تفسیر شوند، گرچه شرط لازم برای عمل به تعهدات اخلاقی‌اند؛ ولی شرط کافی نیستند؛ به این معنا که باورهای دینی الزاماً به التزام اخلاقی نمی‌انجامند؛ بلکه عامل قوی‌تری برای ملزم کردن فاعل موردنیاز است؛ عاملی که هم با حوزه ادراکات او ارتباط داشته باشد و باورهای فاعل را در برگیرد، هم به لحاظ احساسی فاعل را به‌گونه‌ای برانگیزد که علاقه‌ای جز انجام عمل صحیح نداشته باشد. این عامل، ایمان است، عنصری که از نگاه متفکران متدین- مسلمان یا غیرمسلمان، درعین حال که با باور متفاوت است، دربردارنده آن است و فرد با داشتن آن، خود را ملزم به لوازم عملی‌اش می‌داند؛

ایمان دینی یک نوع شناخت دیگر غیر از آگاهی از خود عمل و نیکی را در دسترس انسان قرار می‌دهد و آن معرفت و شناخت به وجود خداوند و موجودات غیبی و باور به آگاهی آن‌ها از اعمال و رفتارهای انسان است این شناخت مضاعف نقص باور تنها را ترمیم و در پر کردن شکاف میان معرفت و عمل اخلاقی مؤثر است و در قسمت دوم یعنی احساسات و تمایلات فاعل، ایمان در مرتبه عالی با عشق و محبت به خداوند پیوند می‌یابد و عشق و محبت می‌تواند طبیب جمله علت‌های ما قرار گرفته تا انسان عاشق هیچ قدمی برخلاف رضای محبوب و دستور و فرمان او برندارد (اکبریان، ۱۳۹۱، ۱۰۱)

پس‌ازاین دو در مرحله بعد دستیابی به بهشت اخروی و نجات از عذاب الهی می‌تواند انگیزه عمل ارزش‌های اخلاقی باشد (سربخشی ۱۳۹۶، ۱۱۹)

فرضیات:

۱. به نظر می‌رسد بین اعتقاد به خداوند و اخلاق رابطه معنادار هست (مثبت)
۲. به نظر می‌رسد بین باور به آخرت و اخلاق رابطه معنادار هست (مثبت)
۳. به نظر می‌رسد بین میزان محبت و علاقه به اولیای دین و اخلاق رابطه معنادار هست (معنادار مثبت)
۴. به نظر می‌رسد بین التزام به مناسک و اخلاق رابطه معنادار هست. (مثبت)

فرضیه رقیب: هیوم متدینان را از اخلاق گریزان می‌داند و معتقد است در عالم واقع هر چه انسان متدین‌تر باشد غیراخلاقی‌تر است.

روش تحقیق:

در این بخش داده‌های پژوهش با استفاده از روش‌های علمی موردبررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. هدف از جمع‌آوری اطلاعات به‌دست‌آمده از سؤالات و طبقه‌بندی آن‌ها، شناخت کامل متغیرها و روابط بین آن‌ها است تا بتوان متناسب با اهداف پژوهش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نمود. تجزیه و تحلیل یافته‌ها در دو بخش انجام می‌شود. بخش اول داده‌های جمع‌آوری شده توصیف می‌شوند.

ابتدا از آمار توصیفی جهت مرتب کردن اطلاعات استفاده شده است، بر این مبنا داده‌های حاصل از پژوهش در جداول مربوطه نشان داده می‌شود. بخش دوم تحلیل داده‌ها مبتنی بر استنباط آماری صورت می‌گیرد. هدف آمار استنباطی عبارت است از نتیجه‌گیری پیرامون ویژگی‌های جامعه‌ای که نمونه مورد مطالعه از آن استخراج شده است. در این پژوهش این تحلیل‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSS انجام گرفته و مفروضات نرمال بودن داده‌ها بررسی و با توجه به ماهیت فرضیه‌های پژوهش از آزمون مناسب آماری ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جمعیت آماری:

جمعیت آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان رشته‌های علوم انسانی دانشگاه آزاد همدان و دانشجویان رشته علوم تربیتی و فیزیک دانشگاه فرهنگیان همدان در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ می‌باشند. واحد آماری این پژوهش نیز دانشجوی دانشگاه آزاد همدان و دانشگاه فرهنگیان همدان است.

حجم نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

حجم نمونه آماری، متأثر از عوامل گوناگونی مانند جمعیت آماری، میزان واریانس صفت در جمعیت میزان دقت (سطح اطمینان)، روش نمونه‌گیری، بودجه تحقیق و ... می‌تواند متفاوت باشد.

برای برآورد حجم نمونه آماری، از فرمول نمونه‌گیری کوکران استفاده شده است.

فرمول برآورد حجم نمونه از این قرار است:

$$n = \frac{Nt^2p(1-p)}{Nd^2 + t^2p(1-p)}$$

اطلاعات لازم برای تعیین حجم نمونه تحقیق حاضر به شرح زیر است:

N=650 (جمعیت کل دانشجویان علوم انسانی دانشگاه آزاد و دانشجویان علوم تربیتی، فیزیک فرهنگیان همدان)

d=0/05 (دقت احتمالی مطلوب)

T=1/96 (عدد متغیر d در توزیع نرمال)

P=0/5 (احتمال وجود صفت در جمعیت)

(1-p)=0/5 (احتمال عدم صفت در جمعیت)

$$n = \frac{650 \times (1/96)^2 \times 0/25}{650 \times (0/05)^2 + (1/96)^2 \times 0/25} = 241/45586 \rightarrow 242$$

پس از برآورد حجم نمونه، برای انتخاب واحدهای نمونه از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شده است. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای، به دلیل تضمین حضور نسبت معینی از گروه‌های متشکل جمعیت آماری در نمونه آماری و نیز ایجاد بیشترین مشابهت ساختاری میان جمعیت و نمونه، با اهداف تحقیق حاضر تناسب بیشتری دارد.

سنجش متغیرها:

در این پژوهش برای سنجش متغیر وابسته (اخلاق) از پرسشنامه بنیان‌های اخلاقی ساخته شده توسط هایت و گراهام استفاده شده است. نظریه بنیادهای اخلاقی، تعدادی بنیاد را به عنوان آمادگی‌های ذاتی نوع بشر برای درک و پذیرش قواعد اخلاقی معرفی می‌کند. مطمئناً انسان‌ها در جوامع مختلف دارای نگرانی‌ها و ملاحظات اخلاقی متعددی می‌باشند.

(ما چگونه می‌توانیم نگرانی‌های اخلاقی را اندازه بگیریم زمانی که مردم در مورد اینکه «اخلاق» به چه معناست؟ اختلاف نظر دارند برای حل این مشکل هایت و گراهام (۲۰۰۷) به ایجاد تئوری بنیان‌های اخلاقی پس از مطالعه برای کشف حوزه‌ها و قواعد اخلاقی و نگرانی اخلاقی عمومی مشترک بین فرهنگ‌ها) و پرسشنامه مبانی اخلاقی (MFQ) پرداختند که به اندازه گیری پنج بعد اخلاقی:

مراقبت / آسیب، انصاف، وفاداری، احترام به مرجعیت، اخلاص و تقدیس منجر شده است.

ومتغیر وابسته (نگرش دینی و دینداری) با مقیاس سنجش دینداری آذربایجانی که دارای ۷۰ گویه است سنجیده می‌شود.

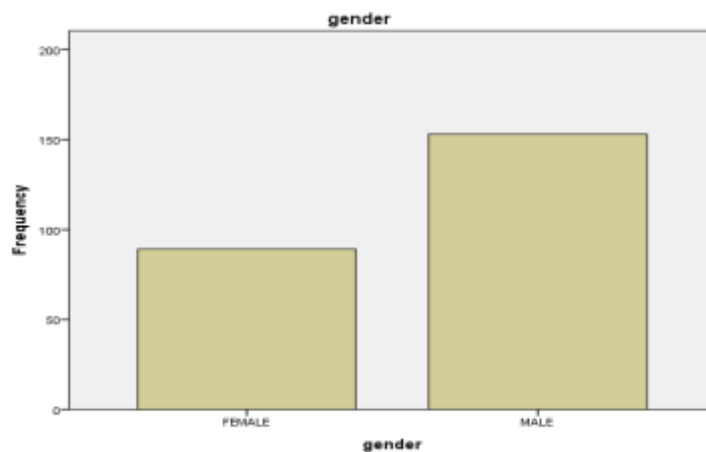
توصیف داده‌ها

۱. جنسیت

جدول ۱-۱ توزیع فراوانی نمونه‌های پژوهش را از نظر جنسیت نشان می‌دهد. طبق داده‌های موجود ۶۳/۲ درصد نمونه‌ها مرد و ۳۶/۸ درصد آن‌ها زن بوده‌اند.

جدول ۱-۱: توزیع نمونه‌ها از نظر جنسیت

متغیر		فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۵۳	۶۳/۲
	زن	۸۹	۳۶/۸
	مجموع	۲۴۲	۱۰۰



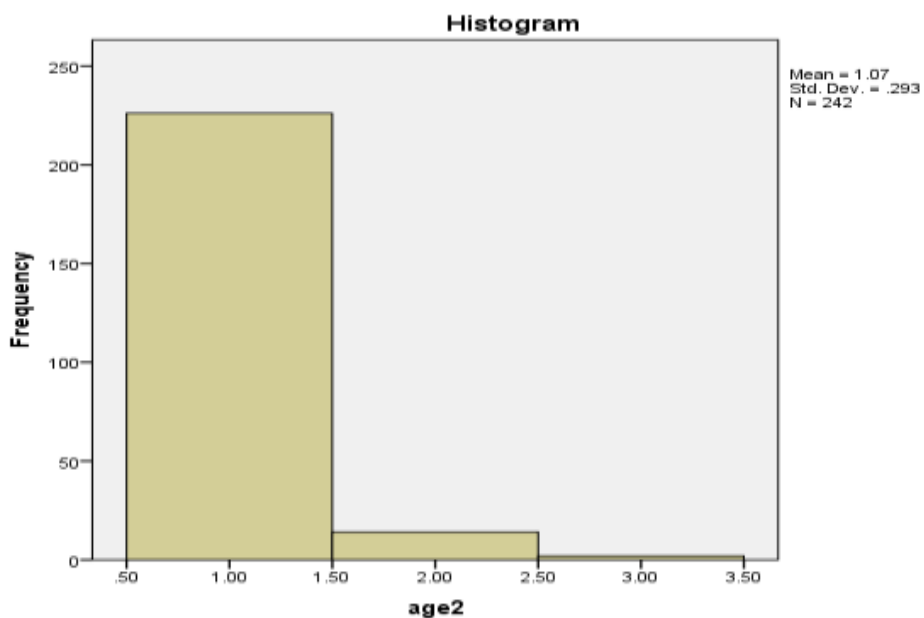
نمودار ۱-۱: توزیع فراوانی متغیر جنسیت

۲. سن

جدول ۲-۱: توزیع فراوانی نمونه‌های پژوهش را از نظر سن نشان می‌دهد. طبق داده‌های موجود ۹۳/۴ درصد نمونه‌ها بین ۱۸ تا ۲۴ سال، ۵/۸ درصد نمونه‌ها بین ۲۴ تا ۳۰ سال، و ۰/۸ درصد آن‌ها بین بالاتر از ۳۰ سال بوده‌اند.

جدول ۲-۱: توزیع نمونه‌ها از نظر سن

درصد	فراوانی	متغیر	سن
۹۳/۴	۲۲۶	۱۸-۲۴ سال	
۵/۸	۱۴	۲۴-۳۰ سال	
۰/۸	۲	بالاتر از ۳۰ سال	
۱۰۰/۰	۲۴۲	مجموع	



نمودار ۲-۲: توزیع فراوانی متغیر سن

۲. شاخصه‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

جدول ۳-۱ شاخص‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه) متغیر سن را ارائه می‌دهد.

جدول ۳-۱: شاخصه‌های توصیفی متغیرهای سن

شاخص متغیر	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
سن	۲۴۲	۱۸	۳۲	۲۱/۲۶	۲/۲۸

جدول ۴-۱ شاخص‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه) متغیرهای اصلی پژوهش را نشان می‌دهد...

جدول ۴-۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	شاخص	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
	عقاید و مناسک	۲۴۲	۶۳	۱۲۳	۸۹/۳۴	۱۵/۸۲
	اخلاق	۲۴۲	۶۰	۱۰۱	۸۲/۵۱	۱۱/۱
	اعتقاد به خداوند	۲۴۲	۱۳	۳۵	۲۵/۴۶	۶/۷۳
	محبت به خداوند	۲۴۲	۲	۱۰	۵/۳۳	۲/۴۹
	باور به آخرت	۲۴۲	۲	۱۰	۷/۹۵	۲/۲۷
	محبت به اولیا دین	۲۴۲	۱۳	۴۰	۲۹/۷۱	۷/۸۴
	دین‌داری (کل)	۲۴۲	۱۷۰	۲۹۵	۲۳۴/۸۱	۳۸/۵۳
	مراقبت و آسیب	۲۴۲	۸	۲۸	۱۹/۵۵	۴/۷۱
	عدالت و انصاف	۲۴۲	۶	۳۰	۲۱/۲۸	۵/۵۱
	وفاداری به گروه	۲۴۲	۸	۳۰	۲۰/۶۹	۴/۵۹
	احترام به مرجعیت	۲۴۲	۷	۳۰	۱۸/۹	۵/۱۷
	اخلاص و پاکی	۲۴۲	۳	۲۵	۱۶/۲۷	۴/۵۸
	زیست اخلاقی (کل)	۲۴۲	۴۰	۱۴۲	۹۶/۷۱	۲۰/۰۷

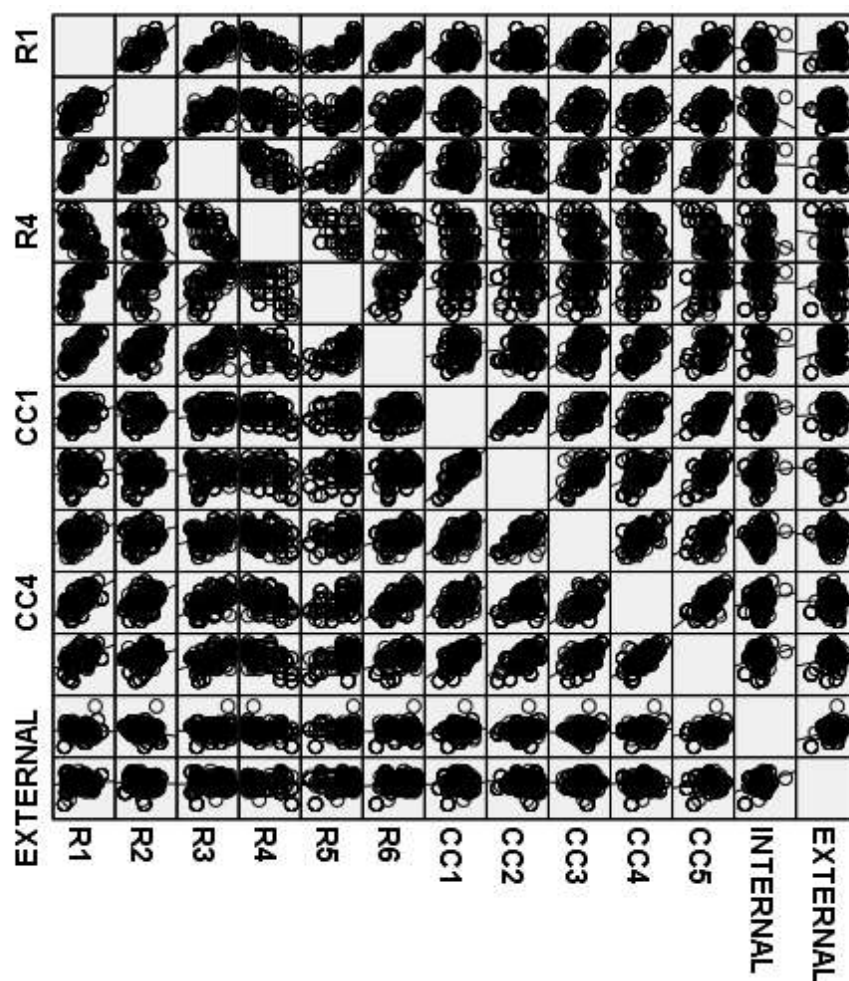
۴-۳- بررسی پیش‌فرض‌های آزمون همبستگی

با توجه به روش‌های آماری به کار گرفته شده در این پژوهش جهت بررسی فرضیه‌های پژوهشی رعایت پیش‌فرض‌هایی ضروری است.

پیش‌فرض‌هایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت عبارت است از:

۴-۳-۱. سطح داده‌های فاصله‌ای یا شبه‌فاصله‌ای: سطح داده‌ها برای هریک از متغیرها، زمانی که از SPSS برای برآورد پارامترها استفاده می‌شود باید حداقل فاصله‌ای یا شبه‌فاصله‌ای باشد که در این پژوهش از داده‌های فاصله‌ای و شبه‌فاصله‌ای استفاده شده است. پس این مفروضه نیز رعایت شده است.

۴-۳-۲. خطی بودن متغیرها: ارتباط بین متغیرها است. برای بررسی این مفروضه با استفاده از نرم افزار SPSS از طریق رسم نمودار پراکندگی، پس‌مانده‌ای استاندارد رگرسیون بررسی شد و مشخص گردید که انحرافی از خطی بودن وجود ندارد.



نمودار ۱-۳: پراکنش متغیرهای پژوهش

۳-۴. نرمال بودن داده‌ها: از طریق آزمون کلموگروف-اسمیرنوف^۳ بررسی شد و نتایج طبق جدول زیر گزارش شده است.

بر اساس نتایج مندرج در جدول چون سطح معناداری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بالاتر از ۰/۰۵ است بنابراین داده‌های پژوهش نرمال می‌باشند و از آزمون‌های آماری پارامتریک جهت تحلیل فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است.

^۳.Kolmogorov-Smirnov

جدول ۱-۵: آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن جامعه

متغیرهای پژوهش	آماره آزمون کولموگروف-اسمیرنوف	سطح معناداری
عقاید و مناسک	۱/۳۴	۰/۰۵۵
اخلاق	۱/۴۹	۰/۶۳۲
اعتقاد به خداوند	۱/۴۰	۰/۵۷۷
محبت به خداوند	۱/۲۵	۰/۸۷۳
باور به آخرت	۱/۳۴	۰/۶۷۲
محبت به اولیا دین	۱/۳۸	۰/۸۹۶
دین‌داری (کل)	۱/۵۱	۰/۹۳۲
مراقبت و آسیب	۰/۸۸۹	۰/۴۰۷
عدالت و انصاف	۱/۲۵	۰/۰۸۶
وفاداری به گروه	۱/۳۵	۰/۰۵۷
احترام به مرجعیت	۱/۱۲	۰/۵۶۱
اخلاص و پاکی	۱/۳۷	۰/۵۴۷
زیست اخلاقی (کل)	۱/۶۷	۰/۸۹۲

۴-۴ - تحلیل فرضیه‌های پژوهش

به‌منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده و در سطح معناداری ۰/۰۵ آزمون شد که نتایج آن در جدول ۴-۱ تا ۴-۱۲ ارائه گردیده است.

۴-۴-۱ - فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد بین نگرش دینی و اخلاق رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۱-۶: آزمون همبستگی بین متغیر نگرش دینی و اخلاق

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	Sig. (2-tailed)
نگرش دینی و اخلاق	۲۴۲	۰/۴۳۲	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۱-۶، مقدار ضریب همبستگی بین متغیرهای نگرش دینی و اخلاق (۰/۴۳۲) و Sig. (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی مثبت و معنادار است و در آزمون مربوطه فرض صفر مبنی بر عدم ارتباط معنی‌دار بین متغیرهای نگرش دینی و اخلاق در سطح $\alpha=0/05$ رد می‌شود بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای نگرش دینی و اخلاق وجود دارد.

۲-۴-۴- فرضیه‌های فرعی پژوهش

۱. به نظر می‌رسد بین اعتقاد به خداوند و اخلاق رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۱-۷: آزمون همبستگی بین متغیر اعتقاد به خداوند و اخلاق

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	Sig. (2-tailed)
اعتقاد به خداوند و اخلاق	۲۴۲	۰/۴۳۴*	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۱-۷، مقدار ضریب همبستگی بین متغیرهای اعتقاد به خداوند و اخلاق (۰/۴۳۴) و Sig. (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی مثبت و معنادار است و در آزمون مربوطه فرض صفر مبنی بر عدم ارتباط معنی‌دار بین متغیرهای اعتقاد به خداوند و اخلاق در سطح $\alpha=0/05$ رد می‌شود بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای اعتقاد به خداوند و اخلاق وجود دارد.

۲. به نظر می‌رسد بین باور به آخرت و اخلاق رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱-۸: آزمون همبستگی بین متغیر باور به آخرت و اخلاق

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	Sig. (2-tailed)
باور به آخرت و اخلاق	۲۴۲	۰/۳۴۵*	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۱-۸، مقدار ضریب همبستگی بین متغیرهای باور به آخرت و اخلاق (۰/۳۴۵) و Sig. (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی مثبت و معنادار است و در آزمون مربوطه فرض صفر مبنی بر عدم ارتباط معنی‌دار بین متغیرهای باور به آخرت و اخلاق در سطح $\alpha=0/05$ رد می‌شود بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای باور به آخرت و اخلاق وجود دارد.

۳. به نظر می‌رسد بین میزان محبت و علاقه به اولیای دین و اخلاق رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۹-۱: آزمون همبستگی بین متغیر میزان محبت و علاقه به اولیای دین و اخلاق

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	Sig. (2-tailed)
میزان محبت و علاقه به اولیای دین و اخلاق	۲۴۲	۰/۴۲۲*	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۹-۱، مقدار ضریب همبستگی بین متغیرهای میزان محبت و علاقه به اولیای دین و اخلاق (۰/۴۲۲) و Sig. (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی مثبت و معنادار است و در آزمون مربوطه فرض صفر مبنی بر عدم ارتباط معنی‌دار بین متغیرهای میزان محبت و علاقه به اولیای دین و اخلاق در سطح $\alpha=0/05$ رد می‌شود بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای میزان محبت و علاقه به اولیای دین و اخلاق وجود دارد.

۴. به نظر می‌رسد بین التزام به مناسک و اخلاق رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۱۰-۱: آزمون همبستگی بین متغیر التزام به مناسک و اخلاق

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	Sig. (2-tailed)
التزام به مناسک و اخلاق	۲۴۲	۰/۴۵۶*	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۱۰-۱، مقدار ضریب همبستگی بین متغیرهای التزام به مناسک و اخلاق (۰/۴۵۶) و Sig. (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی مثبت و معنادار است و در آزمون مربوطه فرض صفر مبنی بر عدم ارتباط معنی‌دار بین متغیرهای التزام به مناسک و اخلاق در سطح $\alpha=0/05$ رد می‌شود بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای التزام به مناسک و اخلاق وجود دارد.

۷. سهم دین‌داری و مؤلفه‌های آن در پیش‌بینی زیست اخلاقی دانشجویان متفاوت است.

برای آزمودن این فرضیه از آزمون رگرسیون خطی ساده استفاده شده است.

جدول ۱-۱۳: خلاصه مدل مورد استفاده

مدل	ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی تعدیل شده	خطای معیار	دوربین واتسون
هم‌زمان	۰/۵۵۶	۰/۳۰۹	۰/۲۸۹	۱۶/۹۳	۲/۰۳۹

همان‌طور که در جدول ۱-۱۳ مشاهده می‌شود که بین متغیرهای دین‌داری و زیست اخلاقی همبستگی معنی‌داری وجود دارد. مجدور ضریب همبستگی به‌دست آمده (۰/۳۰۹) نشان داد که ۰/۳۰ درصد از پراکندگی‌های مشاهده شده در زیست اخلاقی به‌وسیله دین‌داری و مؤلفه‌های آن تبیین می‌شود. نتیجه آزمون دوربین واتسون (۲/۰۳۹) به دست آمد.

جدول ۱-۱۴: تحلیل واریانس مدل رگرسیونی

متغیر پیش‌بین	مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
دین‌داری	رگرسیون	۳۰۰۵۱/۳۱۶	۷	۴۲۹۳/۰۴۵	۱۴/۹۷۱	۰/۰۰۰
	باقیمانده	۶۷۱۰۲/۰۱۱	۲۳۴	۲۸۶/۷۶۱		
	جمع	۹۷۱۵۳/۳۲۶	۲۴۱			

از جدول تحلیل واریانس به‌منظور بررسی قطعیت وجود رابطه خطی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته استفاده می‌شود. فرضیه‌های آماری آزمون معنی‌داری کل مدل رگرسیون به‌صورت زیر می‌باشد:

$$\begin{cases} H_0: \text{رابطه خطی بین دو متغیر وجود ندارد} \\ H_1: \text{رابطه خطی بین دو متغیر وجود دارد} \end{cases}$$

از آنجاکه سطح معناداری مدل رگرسیون، از مقدار مفروض $\alpha = ۰/۰۵$ کوچک‌تر است، H_0 رد شده و فرض خطی بودن رابطه دو متغیر تأیید می‌شود و مدل رگرسیونی موردنظر معنادار می‌باشد.

جدول ۱-۱۵: ضرایب مدل رگرسیونی

ضرایب استاندارد نشده			ضرایب استاندارد شده بتا		
مدل	B	خطای معیار	β	T	سطح معنی داری
ثابت	۶۶/۰۴۵	۱۱/۸۹۲		۵/۵۵۴	۰/۰۰۰
عقاید و مناسک	۳/۸۷۹	۰/۷۴۴	۳/۰۵۸	۵/۲۱۵	۰/۰۰
اخلاق	۳/۱۴۹	۰/۷۱۱	۱/۷۶۷	۴/۴۹۴	۰/۰۰۰
اعتقاد به خداوند	۳/۸۰۵	۰/۸۰۶	۱/۲۷۷	۴/۷۲۱	۰/۰۰۰
محبت به خداوند	۰/۴۹۷	۰/۷۸۷	۰/۰۶۲	۰/۶۳۱	۰/۵۲۸
باور به آخرت	۲/۶۳۷	۱/۱۰۰	۰/۲۹۹	۲/۳۹۶	۰/۰۱۷
محبت به اولیا دین	۳/۲۸۱	۰/۶۷۸	۱/۲۸۱	۴/۸۴۰	۰/۰۰۰
دین داری	-۳/۳۹۶	۰/۷۰۰	-۶/۵۱۸	-۴/۸۴۹	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج تحلیل واریانس در جدول ۱-۱۴ و شاخص‌های آماری رگرسیون در جدول ۱-۱۵ میزان F به دست آمده معنادار ($F=۱۴/۹۷۱$) و $p < ۰/۰۵$ است که نشان می‌دهد دین داری و مؤلفه‌های (عقاید و مناسک، اخلاق، اعتقاد به خداوند، باور به آخرت و محبت به اولیا دین) می‌توانند بخشی از تغییرات مربوط به زیست اخلاقی را تبیین نمایند.

تبیین و شرح:

پژوهش حاضر باهدف بررسی روان‌شناختی رابطه نگرش دینی دین‌داری با زیست اخلاقی انجام شده است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه آزاد و علوم پزشکی همدان است. جهت انتخاب نمونه آماری از روش تمام شماری بهره گرفته شد. جهت گردآوری داده‌های پژوهش از ابزار پرسشنامه بهره گرفته شد. داده‌های پژوهش با آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر اساس یافته‌های حاصل از آمار توصیفی طبق داده‌های موجود ۶۳/۲ درصد نمونه‌ها مرد و ۳۶/۸ درصد آن‌ها زن بوده‌اند. همچنین توزیع فراوانی نمونه‌های پژوهش از نظر سن نشان داد ۹۳/۴ درصد نمونه‌ها بین ۱۸ تا ۲۴ سال، ۵/۸ درصد نمونه‌ها بین ۲۴ تا ۳۰ سال، و ۰/۸ درصد آن‌ها بین بالاتر از ۳۰ سال بوده‌اند.

۲-۵- بحث یافته‌های پژوهش

فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد بین نگرش دینی و اخلاق رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون، مقدار ضریب همبستگی بین متغیرهای نگرش دینی و اخلاق (۰/۴۳۲) و Sig. (۰/۰۰۰) نشان داد که ضریب همبستگی مثبت و معنادار است و در آزمون مربوطه فرض صفر مبنی بر عدم ارتباط معنی‌دار بین متغیرهای نگرش دینی و اخلاق در سطح $\alpha=0/05$ رد می‌شود بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای نگرش دینی و اخلاق وجود دارد.

همچنین نتایج آزمون رگرسیون نیز نشان داد که دین‌داری و مؤلفه‌های (عقاید و مناسک، اخلاق، اعتقاد به خداوند، باور به آخرت و محبت به اولیا دین) می‌توانند بخشی از تغییرات مربوط به زیست اخلاقی را تبیین نمایند ولی اثر محبت به خداوند در زیست اخلاقی دانشجویان به لحاظ آماری معنی‌دار نشد و در بین مؤلفه‌های دین‌داری بالاترین اثر مربوط به مؤلفه عقاید و مناسک می‌باشد و بعد از آن، محبت به اولیای دین می‌باشد. شاید علت این امر این باشد که دانشجویان عشق و محبت شدید به خداوند را مخصوص انسان‌های برگزیده می‌دانند و خود را در آن حد از ایمان اعلا و محبت نمی‌دانستند. و از آنجایی که تحقیق در غرب کشور صورت گرفته و تعداد دانشجویان و هم وطنان اهل سنت در این مناطق بیشتر است رتبه محبت به اولیای دین (نه صرفاً گرایش و علاقه سطحی) پس از عقاید و مناسک قرار گرفته است.

در تبیین این یافته پژوهش می‌توان گفت شخص که نگرش دینی دارد در کارها، طبق فرمان الهی اقدام می‌کند و چیزی را متعلق به خودش نمی‌داند تا ترس از بین رفتن آن را داشته باشد. شخص مؤمن از فقدان چیزی اندوهگین نمی‌شود و برای تشخیص خیر و شر، دچار اضطراب و دودلی نمی‌گردد. در ادامه، شخص بی‌ایمان همچون افراد بی‌سرپرستی است که به کارشان رسیدگی نمی‌شود و خیالات و احساسات شوم از هر سو، بر آن‌ها حمله کرده، آنان را دچار اضطراب شدید می‌کند. دین حقیقی نیز دارای عقایدی درست و مطابق با مواقع بوده، اصول و رفتارهای اخلاقی را مورد توصیه و تأکید قرار می‌دهد که از ضمانت کافی برای صحت و اجرا برخوردار بوده، سلامت و آرامش روانی برای افراد به همراه دارد.

از دیدگاه استاد مطهری بشر هم از لحاظ فردی به دین نیازمند است و هم از لحاظ اجتماعی، دین از یک سو پشتوانه اخلاق است و از سوی دیگر، به عنوان ایدئولوژی می تواند پاسخگوی نیازهای دنیا و آخرت انسان ها باشد. انسانیت انسان ها وابسته به دین است و اگر دین و ایمان نباشد، انسانیتی هم نخواهد بود و دین به ارزش های ثابت اخلاقی قداست می بخشد.

همچنین علامه طباطبایی هدف اصلی دین را در اصلاح حیات اجتماعی می داند و بالطبع آن را سعادت فردی انسان ها مطرح می کند. از نظر علامه، سعادت واقعی و کامل جز در اجتماع سالم تحقق نمی پذیرد و از همین جاست که اسلام مبانی خود را بر پایه اجتماعی بنا نهاده است. با نگاهی به نظرات بزرگان دین، کاملاً روشن است که بین دین و اخلاق ملازمه وجود دارد که این مسئله مؤید یافته پژوهش حاضر است.

۱. به نظر می رسد بین اعتقاد به خداوند و اخلاق رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون، مقدار ضریب همبستگی بین متغیرهای اعتقاد به خداوند و اخلاق (۰/۴۳۴) و Sig. (۰/۰۰۰) نشان داد که ضریب همبستگی مثبت و معنادار است و در آزمون مربوطه فرض صفر مبنی بر عدم ارتباط معنی دار بین متغیرهای اعتقاد به خداوند و اخلاق در سطح $\alpha=0/05$ رد می شود بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنی داری بین متغیرهای اعتقاد به خداوند و اخلاق وجود دارد.

این یافته پژوهش با پژوهش های رابرت (۲۰۰۹)، اسمیت و سگال (۲۰۱۱)، بیکر و همکاران (۲۰۰۵)، چراغی و همکاران (۱۳۹۰)، فقیهی و مطهری (۱۳۸۷) و احمدی (۱۳۸۷) همسو است.

در تبیین این یافته پژوهش می توان گفت یاد خدا عاملی در جهت افزایش تحمل و مقابله افراد در برابر فشارها و سختی ها شده و میزان خودمهارگری و رشد اخلاقی افراد را افزایش می دهد. شاید بتوان گفت: با افزایش اعتقاد و ایمان به خدا، فرایند خودکنترلی و به تبع آن فضایل اخلاقی نیز ارتقا یافته، مانع از اثربخشی شرایط بیرونی یا جمعیت شناختی شده و سلامت روان حفظ می شود. شخص مؤمن همچون کسی است که بر تکیه گاهی استوار و پایه ای ویران نشدنی تکیه زده و امور خود را بر معارف حقه و اعتقادات غیرقابل شک و شبهه مبتنی ساخته است. او در کارها، طبق فرمان الهی اقدام می کند و چیزی متعلق به خودش نمی داند تا ترس از بین رفتن آن را داشته باشد. شخص مؤمن از فقدان چیزی اندوهگین نمی شود و برای تشخیص خیر و شر، دچار اضطراب و دودلی نمی گردد. ایمان در مرتبه بعد- یعنی بعد از اینکه خودش فی نفسه پاسخگوی میل به خیر اخلاقی است- عاملی است در جهت تمایل شخص به رفتار اخلاقی. وقتی ایمان شکل می گیرد مانع مهمی که در تحقق میل به رفتار اخلاقی وجود دارد از میان برداشته می شود. مانع اخلاقی عمل کردن خواهش های نفسانی و خودخواهی است. رسالت اخلاق نیز چیزی جز غلبه بر خودخواهی نیست. از مجموع آیات و روایات در این باره برداشت می شود که اگر ایمان در قلب شخصی وارد شود انگیزه برای عمل نیز فراهم است؛ یعنی میل به اخلاقی زیستن کاملاً آشکار شده و موانع آن کنار رفته است؛ بنابراین ایمان هم خود، فعلیت بخش میل به خیر اخلاقی است و هم رافع موانع فعل اخلاقی. در چنین صورتی است که بعد انگیزشی فضایل اخلاقی

به راحتی شکل می گیرد و فرد به راحتی به افعال فضیلت مندانه مبادرت می ورزد. از طرف دیگر همان طور که هاپ واکر می گوید: همه انسان ها ارزشی برابر دارند و از آنجاکه همه ما به صورت خداوند آفریده شده ایم و فرزندان اویم، پس همه باهم خواهر و برادریم ما یک خانواده هستیم و باید از روی خیرخواهی با یکدیگر رفتار کنیم گویی که اعضای یک خانواده دارای ارزش برابریم اگر خداوند خالق ما نباشد و ما مخلوقات او نسبت مساوی با نداشته باشیم چه معنایی دارد که بگوییم همه اشخاص ذاتاً ارزشی برابر دارند اگر خداواری، کاذب باشد و الحاد صادق، هیچ مبنای واضحی برای تساوی انسان ها وجود ندارد، هیچ دلیلی وجود ندارد که با همه مردم با احترام مساوی رفتار کنیم هیچ پاسخ واضح و بی پیرایه ای به این پرسش داده نمی شود که چرا باید اخلاقی باشیم حتی وقتی که اخلاقی بودن به سود ما نیست در آن صورت شاید حق با نیچه باشد که از دیدگاه مصلحت اندیشانه و فایده جویانه، چرا نباید اشخاص برتر از طبقات فروتر به سود خود استفاده کنند؟ لذا جدا انگاشتن نفوس جزئی انسان ها، خودپرستی به بار می آورد که منشأ ستیزه ها، آزمندی ها، پرخاشگری ها، ستمگری ها و سایر بدی ها بیدارهاست درحالی که این جدا انگاری در آگاهی دینی و ایمان به خداوند که قلم نسخ بر همه تمایزات و تعینات می کشد محو می شود.

۲. به نظر می رسد بین باور به آخرت و اخلاق رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون، مقدار ضریب همبستگی بین متغیرهای باور به آخرت و اخلاق (۰/۳۴۵) و Sig. (۰/۰۰۰) نشان داد که ضریب همبستگی مثبت و معنادار است و در آزمون مربوطه فرض صفر مبنی بر عدم ارتباط معنی دار بین متغیرهای باور به آخرت و اخلاق در سطح $\alpha=0/05$ رد می شود بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنی داری بین متغیرهای باور به آخرت و اخلاق وجود دارد.

در تبیین این یافته پژوهش می توان گفت که انسان ها با این باور که: ۱- زندگی پس از مرگ وجود دارد ۲- در زندگی پس از مرگ پاداش و کیفر خواهیم داشت ۳- سعادت و شقاوت زندگی پس از مرگ در ارتباط با زندگی پیش از مرگ است. اهتمام بیشتری در رعایت قواعد و الزامات اخلاقی داشته اند و میل به تحصیل سعادت اخروی و دوری از شقاوت، انگیزه مناسبی برای او فراهم می آورد تا به سمت افعال اخلاقی سوق داده شود.

۳. به نظر می رسد بین میزان محبت و علاقه به اولیای دین و اخلاق رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون، مقدار ضریب همبستگی بین متغیرهای میزان محبت و علاقه به اولیای دین و اخلاق (۰/۴۲۲) و Sig. (۰/۰۰۰) نشان داد که ضریب همبستگی مثبت و معنادار است و در آزمون مربوطه فرض صفر مبنی بر عدم ارتباط معنی دار بین متغیرهای میزان محبت و علاقه به اولیای دین و اخلاق در سطح $\alpha=0/05$ رد می شود بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنی داری بین متغیرهای میزان محبت و علاقه به اولیای دین و اخلاق وجود دارد.

در تبیین این یافته پژوهش می توان گفت که طبق نظر هرگنهان و السون (۱۳۸۲) معیارهای اخلاقی از طریق تعامل با الگوها رشد می کنند. این بدان معناست که هم زمان با رشد دین داری آشنایی و تعامل با الگوهای دینی افزایش یافته و در این فرایند به تحول یافتگی بیشتری در حوزه

اخلاق دست می یابد. و این محبت و عشق به الگوهای دینی، علاقه افعالی به صفات و افعال آنها رابه دنبال دارد و این اثر، انفاق و احسان را سهل خواهد کرد

۴. به نظر می رسد بین التزام به مناسک و اخلاق رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون، مقدار ضریب همبستگی بین متغیرهای التزام به مناسک و اخلاق (۰/۴۵۶) و Sig. (۰/۰۰۰) نشان داد که ضریب همبستگی مثبت و معنادار است و در آزمون مربوطه فرض صفر مبنی بر عدم ارتباط معنی دار بین متغیرهای التزام به مناسک و اخلاق در سطح $\alpha=0/05$ رد می شود بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنی داری بین متغیرهای التزام به مناسک و اخلاق وجود دارد. این یافته پژوهش با پژوهش تبیک، قربانی و رضا زاده (۱۳۹۲) همسو است.

در تبیین این یافته پژوهش می توان گفت که انجام دستورات مذهبی و حضور در مراسم مذهبی از عواملی هستند که باعث رشد فضایل اخلاقی در افراد می شود (دلور، ۲۰۱۱). از حکمت های عبادت های دینی پرورش دادن بعد اخلاقی وجود آدمی است. همه عبادت ها به نوعی در خدمت اخلاقی شدن و اخلاقی ماندن انسانند. عبادت چیزی نیست مگر اظهار خضوع و خشوع و بندگی در پیشگاه خداوند و چون خدا تجسم فضایل اخلاقی است، پرستش او به معنای مدح و ستایش این فضایل است. با توجه به دو امر قرار گرفتن تسلیم قلبی در جایگاه کانونی ایمان و خدای اخلاقی به عنوان متعلق اصلی ایمان، نمی توان تسلیم خدا بود و به سمت فضایل اخلاقی گرایش نداشت. نمی توان تصور کرد قلب انسان در برابر خدا تسلیم و خاضع باشد، اما گرایش به اخلاق نداشته باشد. اگر خود را مؤمن بدانیم، اما اخلاق و گرایش به فضایل در ما وجود نداشته باشد، باید در ایمانمان شک کنیم. حقیقت ایمان تنها علم نیست که مؤمن بخواهد و بتواند خلاف علمش عمل کند. تسلیم، گوهر درونی ایمان است آن هم تسلیمی که تمام وجود را در بر می گیرد تسلیم قلب نهایی ترین بعد وجود اوست. ابعاد دیگر وجود نیز متاثر از قلب خواهند بود؛ سرچشمه افعال ظاهری و حتی افکار از خواست درونی و قلبی بر می خیزد.

منابع

- خزاعی، زهرا، عقلانیت اخلاق، اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ۲۱، ۱۳۸۵، ۲۳
- خزایی، زهرا، باور دینی، انگیزش و التزام اخلاقی، الهیات تطبیقی، سال پنجم، دوازدهم، ۳ و ۱۳
- دهقان، رحیم، بررسی تطبیقی ابعاد انگیزش اخلاقی در اندیشه علامه طباطبایی و فینیس، سال پنجم، شماره دوم، ۱۳۹۶، ۱۲۲
- کریمی، محمدرضا، کاویانی، محمد، منابع انگیزش اخلاقی با رویکرد تطبیقی بین دیدگاه علامه طباطبایی و مازلو، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال پنجم، ۹، ۱۳۹۰، ۷۹
- مرادی، حسن، دیدگاه علامه طباطبایی درباره‌ی عینیت ارزش‌ها و حریت در انگیزش اخلاقی بر اساس توحید اطلاقی، سال سوم، شماره دوم، ۱۳۹۴، ۳۷
- فرنکنا ویلیام ک، الزام و انگیزش در فلسفه اخلاق متأخر، سید امید اکرمی، ارغنون، ۱۶، ۱۳۷۹، ۱۳۱
- تبیك، محمدتقی، رابطه «انگیزه دینی» و «خودشناسی» مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال هفتم، شماره ۱۲، ۱۳۹۲، ۱۳۵
- کتاب:**
- آذربایجانی، مسعود، درآمدی بر روان‌شناسی دین، چاپ پنجم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳، ۹۴
- دانش، جواد، دین و اخلاق، بررسی گونه‌های وابستگی اخلاق به دین. چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰، ۵۰
- دلاور، علی. (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. (دانشگاه پیام نور). تهران: دانشگاه پیام نور.
- شجاعی، محمدصادق، انگیزش و هیجان: نظریه‌های روان‌شناختی و دینی. چاپ اول، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۱، ۸
- فناپی، ابوالقاسم، اخلاق دین‌شناسی، پژوهشی در باب مبانی اخلاقی و معرفت‌شناسانه فقه، چاپ دوم، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۲، ۱۲۸
- فناپی، ابوالقاسم، دین در ترازوی اخلاق، چاپ پنجم، تهران، انتشارات صراط، ۱۳۸۴،